

## مناسبت‌های محرم و صفر

محمد مؤمنی

### مناسبت‌های محرم

#### ۱. دوم محرم ۶۱ هـ.ق، ورود امام حسین علیه السلام به کربلا

کربلا نزد خدا گرامی‌ترین سرزمین‌هاست. محل رفت و آمد فرشتگان، نزول برکت و مکان استجابت دعا است. کربلا مکانی است که امام حسین علیه السلام آن را از اهل نینوا و غاضریه به مبلغ شصت هزار درهم خرید و به خود آنان صدقه داد و شرط کرد که زائران قبرش را راهنمایی نموده و از آنان پذیرایی کنند. وقتی امام علی علیه السلام به این مکان رسید، کمی درنگ نمود، سپس فرمود: این جا سرزمین رنج و بلا است، سپس با انگشت خود اشاره کرد و جایگاه شتران و اسبان کاروان کربلا و نیز محل شهادت امام و یارانش را نشان دادند.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام پس از آن که از بیعت با یزید اجتناب ورزید، ناچار شد در آخرین روزهای رجب سال ۶۰ به همراه خانواده و بستگان خود از مکه خارج شود.

امام علیه السلام در ایام مناسک حج، ضمن انجام اعمال ماهیت فاسد یزید را افشا کند. آن حضرت در هشتم ذی‌الحجه هنگامی که جان خود را در خطر دید، برای حفظ حرمت حرم امن الهی و نیز اجابت خواسته کوفیان، حج خود را مبدل به عمره کرد و عازم کوفه شد. امام در بین راه با سپاه حر بن یزید ریاحی که مأموریت داشت مانع ورود امام به کوفه شود، مواجه شد. امام به راه خود ادامه داد و در روز پنج‌شنبه دوم محرم سال

۱. ر.ک: کریم زمانی جعفری، واقعه صفین در تاریخ، ترجمه واقعه صفین، ص ۹۲.

۶۱ وارد کربلا شد و در این‌جا بود که طبق دستور ابن‌زیاد حرمان پیش‌روی آن حضرت شد. سید‌الشهدا علیه‌السلام پرسید: نام این سرزمین چیست؟ عرض کردند: غاصریه. فرمود: نام دیگرش چیست؟ گفتند: شاطئی‌الفرات. فرمود: آیا نام دیگری نیز دارد جواب دادند: «کربلا» هم می‌گویند. در این هنگام امام فرمود: «اللهم انی أعوذ بک من الکرب والبلاء؛ خدایا از اندوه و بلا به تو پناه می‌برم.» سپس فرمود: این‌جا محل فرود آمدن ماست. به خدا سوگند همین‌جا محل قبرهای ماست.

عبدالله بن منصور می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام گفتیم: برای من از مقتل پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن بگویند. فرمود: پدرم به نقل از پدرش امام سجاد علیه‌السلام به من گفت: «... ثم سارَ حتّی نَزَلَ کربلاءَ، فقال: أیُّ موضعَ هذا؟ فقيل: هذا کربلاءُ یابن رسول الله: فقال: هذا و البیه یوم کرب و بلاءٍ و هذا الموضعُ الذی یُهرأقُ فیهِ دماؤنا و یباحُ فیهِ حریمنا.»<sup>۱</sup>

## ۲. چهارم محرم ۶۱ق، صدور فتوای شریح قاضی برای شهادت امام حسین علیه‌السلام.

شریح قاضی در اصل ساکن یمن بود که به کوفه مهاجرت نمود.<sup>۲</sup> او از تابعان بود<sup>۳</sup> و در زمینه‌های مختلف در محضر امام علی علیه‌السلام و ابن مسعود به فراگیری دانش پرداخته است. با توجه به دانش و تجاربش در زمان خلفای راشدین قاضی گردید و به مدت ۶۰ سال عهده‌دار این منصب بود.<sup>۴</sup>

شریح در زمان امام علی علیه‌السلام نیز مدتی قضاوت نمود و به دلیل عملکرد نادرست در برخی امور، مورد سرزنش امام علیه‌السلام قرار گرفت.<sup>۵</sup> وی در دوران یزید به فرمان ابن‌زیاد قاضی کوفه شد.

اما آنچه درباره‌ شریح مشهور شده فتوای او پیرامون قتل امام حسین علیه‌السلام است. وقتی از او درباره‌ کسی که علیه خلیفه رسمی مسلمانان شورش نماید. سؤال شد، گفت: مبارزه و جهاد علیه او واجب است. ابن‌زیاد از این فتوا خوش‌حال و بدین طریق مردم را تشویق به کشتن امام نمود.

۱. محمد صحتی سردودی، مقتل‌الحسین علیه‌السلام به روایت شیخ صدوق، ص ۱۳۶.

۲. علی‌اکبر خدایی، شریح قاضی، ص ۱۷.

۳. ابن‌اثیر، اسد‌الغابه، ج ۲، ص ۳۹۴؛ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۴، ص ۲۹.

۴. سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۴۸۲.

۵. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳، ص ۴۸۰.

اما آن‌چه که قطعی و مسلم است دستگاه یزید برای این‌که بتواند به حیات خود ادامه دهد و از پشتوانه فکری و اعتقادی برخوردار شود، از شریح قاضی استمداد کرد<sup>۱</sup> و امور را به نفع خود مدیریت نمود. هم‌چنین با توجه به این‌که خواص در به وجود آوردن حادثه کربلا نقش مؤثری ایفا نمودند، بی‌تردید شریح نیز از جمله آنان بوده و به خاطر عافیت‌طلبی و دنیاطلبی و ترس از عبیدالله در برابر جبهه باطل سکوت اختیار کرد. نزد شیعیان به چهره‌ای نکوهیده تبدیل و از او به عنوان فردی مذموم یاد می‌شود.

### ۳. نهم محرم ۶۱ ق، تاسوعای حسینی

در نهم محرم سال ۶۱ ق. لشکر مجهزی به دستور ابن زیاد و به فرماندهی شهر پا به سرزمین کربلا نهاد. او که فرماندهی پیادگان لشکر دشمن را به عهده داشت، امان‌نامه‌ای از طرف عمر سعد برای حضرت ابوالفضل علیه السلام و برادرانش آورد تا از این جهت که با آن‌ها از طرف مادر نسبت خویشاوندی داشته و از یک قبیله «بنی کلاب» هستند، از سپاه امام علیه السلام جدا نماید. لذا وقتی که به نزدیکی خیمه‌گاه امام رسید با صدای بلند فریاد زد: خواهر زادگانم کجایند؟ امام که منظور شمر را می‌دانست به برادرش فرمود: جوابش را بدهید. شمر گفت: اگر دست از یاری امام حسین علیه السلام بردارید، در امانید. قمر بنی‌هاشم علیه السلام پاسخ دندان شکنی به او داد و شمر خشمناک به خیمه‌های خود بازگشت.

در چنین روزی عمر سعد برای این‌که فرمان ابن زیاد را جامه عمل بپوشاند دستور حمله را صادر کرد. امام علیه السلام برادرش عباس علیه السلام را با تعدادی از یاران به نزد آنان فرستاد که امشب را مهلت دهند تا مشغول نماز، قرائت قرآن و مناجات با پروردگار شوند. پس از گفت و شنودهای زیاد با تقاضای امام علیه السلام موافقت شد. چون پاسی از شب گذشت برای اصحاب خویش سخن گفته و فرمود: بیعت خود را از عهده آن‌ها برداشته و می‌توانند به همراه خانواده خود به شهر و دیار خود بروند؛ اما یاران آن حضرت وفاداری خود را ابراز نمودند<sup>۲</sup> و تا صبح جمعی به نماز، گروهی به تلاوت قرآن و برخی نیز به نگهبانی خیمه‌ها پرداختند.

۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۱۴.

## ۴. دهم محرم ۶۱ق، عاشورای حسینی

صبح روز عاشورا امام حسین علیه السلام صفوف لشکر خود را منظم کرده، فرماندهی قسمتی از سپاه را به زهیر بن قین و فرماندهی بخش دیگر را به حبیب بن مظاهر واگذار نمود و پرچم را به برادرش عباس علیه السلام داد. سپس خود و افرادش در قلب سپاه آماده شدند.

امام علیه السلام در این روز برای اتمام حجت چندین مرتبه خطبه خواند و دشمنان را پند و اندرز داد. ایشان چندین ملاقات با عمرسعد به صورت محرمانه انجام داد تا بدین وسیله او را از پیامدهای جنگ‌طلبی با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه نماید، ولی عمرسعد که نتوانست از حکومت ری چشم‌پوشی کند، ناگزیر از آن حضرت روی برگرداند و به سپاه خود ملحق شد و با تیری که پرتاب نمود جنگ آغاز نمود. عمرو بن کعب معروف به ابوثمامه صائدی در حین درگیری متوجه اول ظهر شد و برای ادای نماز حضور امام علیه السلام رسید و امام علیه السلام در حق او دعا کرد و برای برگزاری نماز پیشنهاد آتش بس موقت نمودند که از سوی دشمن پذیرفته نشد، لذا مجبور شدند نماز را زیر تیرباران دشمن بخوانند و عده‌ای نیز در دفاع از امام علیه السلام سینه‌های خود را سپر قرار داده و به شهادت رسیدند. پیش از ظهر چنین روزی حر بن یزید ریاحی که خود را بین دوزخ و بهشت می‌دید به نزد امام علیه السلام آمد و توبه کرد. آن‌گاه روانهٔ نبرد شد و به شهادت رسید. یاران و اصحاب و سپس خاندان آن حضرت نیز به ترتیب روانه جنگ شده و هر کدام با نثار جان خویش، بهشت را خریدند. سیدالشهدا علیه السلام که تنها مانده بود، با امام سجاد علیه السلام، زینب علیه السلام و بانوان حرم وداع کرد و در نبرد با جبهه باطل پس از رشادت فراوان بر اثر شدت جراحات به زمین افتاد و به شهادت رسید. پس از شهادت امام علیه السلام، عمرسعد دستور داد بر بدن شهدا به ویژه امام، اسب بتازند و بدین‌گونه پیکر مطهرش را پایمال کردند؛ آن‌گاه خیمه‌های اهل بیت امام را آتش زده و اموال آنان اعم از چادر، گوشواره و حتی عمامه، نعلین و انگشتر امام را ربودند. این جنایت به حدی بود که شهید مطهری رحمته الله علیه در توصیف یاران عمرسعد می‌گوید: «اصحاب عمرسعد در شقاوت هم بر بدریون ابوسفیان، و هم بر صفینون معاویه، در شقاوت جلوتر بودند، به گونه‌ای که گریه می‌کردند و فرمان قتل می‌دادند، اشک می‌ریختند و گوشواره از گوش فرزندان حسین علیه السلام می‌کشیدند، می‌لرزیدند و آهنگ بریدن سر حسین علیه السلام را داشتند.»<sup>۱</sup>

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۵۷.

فاطمه دختر امام حسین علیه السلام می‌گوید: «هر چه در خیمه‌ها بود به تاراج بردند تا آن‌جا که چادرها را از دوش ما برداشتند.»<sup>۱</sup>

در عصر عاشورا بعد از این عمل ننگین به فرمان عمر سعد سر نازنین امام حسین علیه السلام به وسیله خولی بن یزید اصبحی و حمید بن مسلم ازدی و بقیه سرها توسط شمر بن ذی الجوشن و قیس بن اشعث و عمرو بن الحجاج بن کوفه، نزد عبیدالله بن زیاد بردند.<sup>۲</sup>

#### ۵. دوازدهم محرم

##### ۵-۱. دوازدهم محرم ۶۱ق، دفن شهدای کربلا

عصر روز دوازدهم گروهی از بنی‌اسد برای دفن شهدا به کربلا آمدند، ولی به دلیل ترس از عبیدالله بن زیاد قرار گذاشتند شب اقدام کنند، آن‌ها در مسیر منتهی به جاده کوفه یک نگهبان گذاشتند و وقتی می‌خواستند بدن شهدا را دفن نمایند، بدن امام حسین علیه السلام و ابوالفضل علیه السلام را به دلیل قطعه قطعه بودن نتوانستند بردارند. آن‌ها بدن صحابی را از هاشمی تشخیص نمی‌دادند. متحیر مانده بودند که نگهبان خبر آورد کسی از کوفه می‌آید، آن‌ها به گمان این‌که مأمور عبیدالله است، مخفی شدند. دیدند یک نفر آمد و به داخل گودال قتلگاه رفت و در کنار بدن سیدالشهدا علیه السلام گریه کرد، او کسی جز امام سجاد علیه السلام نبود. امام خطاب به آن‌ها فرمود: شما چه کسی هستید؟ گفتند: از طایفه بنی‌اسد هستیم آمدیم بدن‌ها را دفن کنیم، اما آن‌ها را نمی‌شناسیم. بنی‌اسد با کمک امام بدن مطهر امام حسین علیه السلام و دیگر شهدا را شناسایی و دفن نمودند.<sup>۳</sup>

اما سؤال این است امام سجاد علیه السلام که در کوفه اسیر عبیدالله بود، چگونه به کربلا آمد؟ جواب این سؤال را می‌توان با استفاده از احتجاج امام رضا علیه السلام با «واقفیه» دریافت نمود. واقفیه گروهی بودند که منکر امامت حضرت رضا علیه السلام بودند و در وقت شهادت موسی بن جعفر علیه السلام، علی بن موسی علیه السلام در مدینه بود و جنازه پدرش زیر نظر هارون به خاک سپرده شد. آن‌ها می‌گفتند: که حضرت رضا علیه السلام اگر امام بود، باید در دفن و کفن پدر شرکت می‌کرد و چون شرکت نکرد، امام نیست. امام علیه السلام در جواب سؤال ابتدا

۱. محمد صحتی سردودی، مقتل الحسین علیه السلام به روایت شیخ صدوق، ص ۱۹۵.

۲. محمدباقر کمره‌ای، در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم)، ص ۳۴۳.

۳. محمد رحمتی شهررضا، مقتل فلسفی، ص ۸۰-۸۲، چاپ اول، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۰ ش.

پرسید: متصدی دفن امام حسین علیه السلام چه کسی بود؟ امام بود یا دیگری؟ گفتند: علی بن حسین علیه السلام. فرمود: علی بن حسین علیه السلام کجا بود؟ او در کوفه اسیر عیدالله بود. عرض کردند: او مخفیانه خارج شد و متصدی امر پدر گردید، سپس به کوفه برگشت. امام رضا علیه السلام فرمود: آن که امام سجاد علیه السلام را توانا کرد که به کربلا آید و متصدی کار پدرش گردد. صاحب امامت را توانا می‌کند که به بغداد آید و متصدی دفن پدر گردد، با آن که در زندان و اسیر هم نبوده است.<sup>۱</sup>

#### ۵-۲. دوازدهم محرم ۶۱ق، ورود کاروان اسیران آل محمد علیهم السلام به کوفه

روز دوازدهم محرم در حالی که مردم کوفه خود را برای تماشای اسیران آماده کرده بودند، اسرا را وارد این شهر<sup>۲</sup> نمودند. آن گاه با همان حال اسارت و در پوشش نامناسب و تحقیرآمیز وارد مجلس ابن زیاد کردند.

در این مجلس حضرت زینب علیها السلام و امام زین العابدین علیه السلام به افشاگری جنایت‌های ابن زیاد و سپاهیان کوفه پرداختند و خشم و نفرت و انزجار مردم را نسبت به عیدالله و سپاهیان برانگیختند. عیدالله که آبروی خود را از دست رفته می‌دید و در موقعیت بسیار بدی قرار گرفته بود، پس از چند روز اقامت اسیران<sup>۳</sup> در کوفه، آن‌ها را به شام فرستاد.

#### ۵-۳. دوازدهم محرم سال ۹۵ق، شهادت امام زین العابدین علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ق به دنیا آمد. آن حضرت دو سال از رهبری جدش امام علی علیه السلام، ده سال از دوران امامت عمویش امام مجتبی علیه السلام و مدت ده سال از عصر امامت پدرش امام حسین علیه السلام را درک کرد.

او که در محرم سال ۶۱ق شاهد حوادث کربلا بود، پس از شهادت پدر به امامت رسید و همراه با دیگر اسیران به کوفه و شام بردند. آن حضرت ضمن سرپرستی اسیران در کوران گرفتاری‌ها، در مجلس ابن زیاد و یزید به معرفی خود و اهل بیت علیهم السلام پرداخت و حکومت یزید را رسوا کرد، آن گاه به مدینه بازگشت.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس المهموم)، ص ۳۵۱، عباس قمی، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، چاپ ۲۱ قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴.

۲. سعد بن ابی وقاص نظریه ناسازگاری آب و هوای مدائن برای عرب‌ها (برحسب دستور خلیفه) مسلمانان و خلیفه را مأمور کرد تا جایی مناسب برای سپاه بیابند پس این دو جایگاه «کوفه» را نزدیک به «حیره» باستانی ایران مناسب دیدند و در سال ۱۷ ق بنا کردند.

۳. در اقامت اسرا در کوفه اختلاف است. مشهور ۳ روز، برخی ۷ روز و بعضی نیز ۱۰۰ روز نوشته‌اند.

۴. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۲۳۴.

در دوره امامت ایشان احکام اسلامی بازیچه دست زمامدارانی چون یزید، عبدالله بن زبیر، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و ولید بن عبدالملک قرار گرفت و تربیت دینی مردم تنزل پیدا کرد و ارزش‌های جاهلی نیز می‌رفت که رنگ و بوی احیا به خود بگیرد، امام سجاد علیه السلام که زمینه قیام را فراهم نمی‌دید، مبارزات خود را در قالب زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا به شیوه‌هایی چون گریه بر شهدای کربلا و نیز تبیین معارف اسلامی به روش دعا ابراز کرد. به گونه‌ای که انتشار تعابیر زیبای امام در قالب دعا همه را به سوی خود جذب می‌کرد و از این طریق به شیعه حیاتی دوباره داد و زمینه را برای فعالیت‌های آینده امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فراهم نمود.<sup>۱</sup> به هر حال آن امام عزیز را در سال ۹۴ و یا ۹۵ ق به شهادت رساندند. از آثار معروف امام کتاب شریف صحیفه سجادیه و رساله حقوق می‌باشد.

### مناسبت‌های ماه صفر

#### ۱. اول صفر

##### ۱-۱. اول صفر ۶۱ ق، ورود اسیران آل محمد علیهم السلام به شام

عبیدالله بن زیاد وقتی که خواست اسیران را از کوفه روانه شام<sup>۲</sup> نماید. فرمان داد سرهای شهدا را بالای نیزه قرار داده، اسیران را سوار شتران بی‌جهاز نموده و امام زین العابدین علیه السلام را در غل و زنجیر کرده و دست‌هایش را بر گردنش بستند و بدین صورت آنان را با جنایت‌کارانی مانند: شمر و خولی همراه کرد.

اسیران منازل زیادی بین عراق و شام - که معروف به چهل منزل شده - طی کردند تا روز اول صفر سال ۶۱ ق وارد دمشق شدند. پیش از ورود ام‌کلثوم از شمر خواست آنان را از دروازه‌ای که تماشاگر کمتری وجود دارد، حرکت دهند ولی آن ملعون برخلاف پیشنهاد ام‌کلثوم آنها را از شلوغ‌ترین ورودی دمشق عبور داد.

وضعیت دمشق طوری بود که این روز را عید اعلان کرده و به جشن و پایکوبی پرداخته به گونه‌ای که گروهی با دف برخی با طبل و بعضی نیز رقص‌کنان از اسیران استقبال کردند. سپس آنها را روانه زندان نمودند.

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امام شیعه، ص ۲۶۱-۲۶۵.

۲. در آن زمان به سرزمین‌های سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و اطراف آن شام یا شامات می‌گفتند.

حارث بن کعب از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام درباره‌ اوضاع اسرا در زندان می‌گوید: «زندان چنان بود که آنان را از گرما و سرما نگاه نمی‌داشت تا آن‌جا که صورت‌های آنان پوست انداخت.»<sup>۱</sup>

بعد از مدتی آن بزرگواران را وارد مجلس یزید کردند و در این مجلس بود که حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام و دیگر افراد خانواده امام حسین علیه السلام با یزید به مناظره و مشاجره پرداخته و فسادهای یزید را برملا کردند. آنان عقیده جبرگرایی یزیدیان را به شدت زیر سؤال برده<sup>۲</sup> و در ایام اسارت و مجالس گوناگون آثار چهل سال تبلیغات مسموم‌کننده کوفیان و شامیان را از بین بردند و چهره ناپاک حکومت اموی را به خوبی معرفی و افکار خفته مردم شام را بیدار نمودند.<sup>۳</sup> از این رو یزید که احساس خطر کرده بود، ناچار شد اسرا را با احترام و عزت به مدینه منوره بفرستد.

#### ۱-۲. اول صفر ۳۷ق، آغاز جنگ صفین

حضرت علی علیه السلام در ابتدای خلافت خویش، عاملان خلیفه مقتول به ویژه معاویه را خلع و برکنار کرد، سپس نامه‌ای برای فراخوانی بیعت از معاویه به شام فرستاد. معاویه تن به فرمان امام نداد و طی نامه‌ای به عمروعاص که در فلسطین بود. از او درخواست کرد که برای مشورت نزد او برود. بعد از آمدن عمروعاص، معاویه با مشورت او بیعت با امام را رد کرد و مردم را به جنگ با آن حضرت برای خون‌خواهی عثمان ترغیب نمایند، هم‌چنین معاویه مردم را به مسجد فراخواند و آنان را تشویق به قیام بر ضد امام علی علیه السلام کرد. شامیان متأثر از شایعات، با معاویه بیعت کردند و خود را آماده جنگ با امام کردند<sup>۴</sup> و از شام خارج شدند.

پیروان معاویه به دلیل این‌که از حق عدول کرده و منحرف شده بودند، به قاسطین معروف شدند.<sup>۵</sup>

امام نیز با سپاهی از کوفه خارج شد و در ۲۲ محرم سال ۳۷ در سرزمین صفین با سپاه شام رو به رو شد.<sup>۱</sup> روز چهارشنبه اول صفر سال ۳۷ جنگ سختی به وقوع

۱. محمد صحتی سردودی، مقتل الحسین به روایت شیخ صدوق، ص ۲۰۸.

۲. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۶۵.

۳. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۱۸۶.

۴. کریم زمانی جعفری، واقعه صفین در تاریخ (ترجمه واقعه صفین)، ص ۳۸-۵۷.

۵. سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۱۴۰.



پیوست. به طوری که زیاد بن نصر حارثی می‌گوید: سه روز و سه شب جنگ به طول انجامید. نیزه‌ها شکست و تمام شد و سلاحی باقی نماند ناچار به رخسار هم خاک می‌پاشیدیم و با دندان‌ها تن یکدیگر را گاز گرفته و مجروح می‌کردیم.<sup>۲</sup>

جنگ می‌رفت که با پیروزی سپاه اسلام همراه گردد. معاویه دستور داد قرآن‌ها را بر نیزه گذاشتند و بدین وسیله بین سربازان امام اختلاف شد. امام ضمن نکوهش فریب خوردگان<sup>۳</sup> ناچار شد تن به حکمیت دهد. پس از این ماجرا تعدادی از یاران امام او را به خاطر قبول حکمیت سرزنش نموده و بر ضد آن حضرت خروج کرده و زمینه را برای جنگ نهروان آماده کردند.

## ۲. دوم صفر ۱۲۱ ق، شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام

زید بن علی برادر امام محمد باقر علیه السلام است. او مردی زاهد، شجاع و دانشمند بود و او پس از برادرش امام باقر علیه السلام از همه فرزندان امام سجاد علیه السلام افضل است، امام رضا علیه السلام او را عالم آل محمد صلی الله علیه و آله لقب داد و امام صادق علیه السلام نیز او را شهید خواند، او در سال ۱۲۰ ق در حکومت هشام بن عبدالملک مروان به امر معروف و نهی از منکر پرداخت و به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد.<sup>۴</sup> هشام که از قیام او به وحشت افتاده بود به یوسف بن عمرو، امیر کوفه دستور داد با سپاهی به زید حمله و آتش قیام را خاموش نماید. بدین وسیله بین طرفین جنگ سختی به وقوع پیوست، در حین نبرد تیری بر پیشانی او خورد و به شهادت رسید. یاران او جسدش را در بستر نهری به خاک سپرده و آب روی آن جاری کردند تا مأموران هشام آن را پیدا نکنند، ولی این جریان به وسیله جاسوسی به امیر کوفه اطلاع داده شد. یوسف بن عمر جسد او را بیرون آورد سر او را از تن جدا کرد و بدنش را تا چهار سال به دار آویخت، آن‌گاه پایین آورده و آتش زدند.<sup>۵</sup> سرش را نیز به شام برای هشام بن عبدالملک فرستاد و هشام آن را بر سر در کاخ خویش آویخت.<sup>۶</sup>

۱. همان، ج ۶، ص ۷۰۳.

۲. واقعه صفین در تاریخ، ترجمه واقعه صفین، ص ۱۹۴؛ فیض‌الاعلام، ص ۳۲۴.

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۷۱، ص ۱۲۱.

۴. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۲۴، ج سوم، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹.

۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۰۷، چاپ هفدهم، قم، انتشارات توحید، ۱۳۸۴ ش.

۶. سیدمحمدصادق موسوی گرمارودی، فرهنگ عاشورا، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴ ش.

۳- سوم صفر ۵۷ ق، ولادت امام باقر علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام در سوم سال ۵۷ ق متولد شد. مادر آن حضرت فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. لقب ایشان به سبب دانش بیکران باقر یا باقرالعلوم بوده است. به او از این جهت باقر می‌گویند که علم را می‌شکافت و اصل آن را می‌شناخت و فرعش را استنباط می‌کرد و در علم تبحر داشت.<sup>۱</sup>

۴- پنجم صفر ۶۱ ق، شهادت حضرت رقیه علیها السلام

دختر سه ساله حضرت سیدالشهدا حضرت رقیه علیها السلام در سفر کربلا همراه اسرای اهل بیت علیهم السلام بود در شام شبی پدر را در خواب می‌بیند و پس از بیدار شدن با گریه فراوان و بی‌تابی سراغ پدر را می‌گیرد. خبر به یزید رسید، دستور داد سر مطهر امام علیه السلام را نزد او بردند. رقیه با دیدن سر پدر بسیار ناراحت شد و درد و دل‌های خود را بازگو کرد تا این که بر اثر شدت ناراحتی از دنیا رفت.

۵. هفتم صفر، ۱۲۸ ق ولادت امام موسی کاظم علیه السلام

ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام در «ابوا» منزلی میان کوفه و مدینه به روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ ق متولد شد. به جهت کثرت زهد و عبادتش به عبد صالح معروف و به جهت حلم و فرو خوردن خشم و نیز صبر و تحمل مشقات و آلام زمانه مشهور به کاظم گردید. آن حضرت به کنیه‌های ابو ابراهیم و ابو علی نیز معروف بوده است. مادر آن حضرت، حمیده کنیزی از اهل بربر (مغرب) یا از اهل اندلس (اسپانیا) بوده است.<sup>۲</sup>

۶- نهم صفر

۶- ۲. نیم صفر ۳۷ ق، شهادت عمار بن یاسر

کنیه عمار ابوالقیطان است و پیامبر صلی الله علیه و آله به او لقب «الطیب المطیب: پاکیزه پاک سرشت» داد.<sup>۳</sup> یاسر اهل یمن بود که بعدها به مکه آمد<sup>۴</sup> و در آنجا با سمیه ازدواج کرد

۱. احمد صدر حاج سیدجوادی، دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۵۶، چاپ اول، تهران، نشر شهید سعید مجتبی، سال ۱۳۸۱.

۲. دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۴۹۳.

۴. دایره المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

و ثمره ازدواج آن دو تولد عمار بود که حدود ۴۴ سال قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد. عمار به همراه خانواده خود در سال پنجم بعثت نزد پیامبر ﷺ آمده و مسلمان شدند.<sup>۱</sup> وقتی اسلام آوردن آن‌ها آشکار شد. تحت شکنجه مشرکان قرار گرفتند، به گونه‌ای که پدر و مادر عمار در سن پیری به شهادت رسیده و نام خود را به عنوان نخستین شهدای اسلام به ثبت رساندند.

عمار پس از رحلت پیامبر ﷺ نسبت به جریان سقیفه اعتراض کرد و از اولین کسانی بود که با امام علی علیه السلام بیعت کرد. بینش و درایت او به حدی بود که امام علی علیه السلام بعد از این که به خلافت رسید وی را مشاور خود قرار داده و در امور مختلف با او مشورت می‌کرد.

او در زمان عمر بن خطاب به مدت دو سال حاکم کوفه شد و سپس بنا به دلایلی بر کنار گردید. هم‌چنین ایشان در جنگ‌های جمل و صفین به یاری امام شتافت و در جنگ صفین به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

#### ۶-۱. نهم صفر ۳۹ ق، جنگ نهروان

برخی از یاران امام علی علیه السلام در جنگ صفین بعد از این که امام را وادار به پذیرش حکمیت کردند، از کار خود پشیمان شده و در راه بازگشت از کوفه لب به اعتراض گشوده و خواستار نقض عهدنامه شدند که با مخالفت امام رو به رو شدند. لذا در برابر آن حضرت موضع گرفته و زبان به جسارت و تکفیر باز کرده و شعار «لا حکم الا الله» سر دادند.<sup>۳</sup>

امام وقتی که شعار خوارج (مارقین)<sup>۴</sup> را شنید فرمود: «کلمه حق یُرادُ بها باطل<sup>۵</sup>؛ سخن حقی است که از آن اراده باطل شده است». این گروه کسانی هستند که پیروان امام را کافر و مرتد می‌دانستند و اگر به یکی از شیعیان علی علیه السلام دست می‌یافتند، وی را به بدترین وجهی می‌کشتند، به طوری که عبدالله بن خباب را با همسرش که باردار بود

۱. همان.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

۳. نهج البلاغه، (ترجمه محمد دشتی)، ص ۸۹.

۴. بیرون شدگان از دین و سنت را گویند این لقب درباره خوارج شهرت یافت.

۵. نهج البلاغه، (ترجمه محمد دشتی) خطبه ۴۰، ص ۹۳.

سر بریدند و شکم همسرش را شکافتند. مردم از این وضع به ستوه آمده و به علی علیه السلام که سرگرم تجهیز سپاه بود تا دوباره به نبرد با معاویه برود، گفتند شما اول شر این‌ها را دفع کنید سپس به جنگ دشمن اصلی برویم. امام موافقت کرد و در سرزمینی به نام نهروان<sup>۱</sup> به جنگ با آنان پرداخت و در این نبرد پیروز شد. از ویژگی‌های خوارج این بود که به ظواهر تمسک کرده و با «ضرب القرآن بعضه ببعض» برداشت‌های افراطی می‌کردند.<sup>۲</sup>

این گروه پس از شکست در جنگ نهروان برای تداوم تفکر انحرافی خود همان‌گونه که امام علی علیه السلام پیش‌بینی کرده بودند،<sup>۳</sup> به تدریج مکتب خاصی تأسیس کردند و در مسائل اعتقادی اظهار نظر کردند.

#### ۷. بیستم صفر ۶۱ ق، اربعین حسینی

در این روز زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اقامه عزای آن حضرت از اختصاصات فرهنگ شیعه دانسته شده است؛ به گونه‌ای که برای هیچ یک از سایر معصومین علیهم السلام حتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این مسئله (برگزاری مراسم اربعین) وجود نداشته است و نظر آنان نیز بر انحصار اربعین برای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بوده است.<sup>۴</sup> و زیارت اربعین را از نشانه‌های مؤمن معرفی کرده‌اند.

در اربعین امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ ق دو اتفاق مهم رخ داد: الف. هنگامی که خبر شهادت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در بلاد اسلامی پخش شد. جابر انصاری و جماعتی از بنی‌هاشم از مدینه منوره راهی کربلا شدند و به عزاداری پرداختند.

ب. اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند. در مسئله نخست اتفاق نظر وجود دارد، ولی در حادثه دوم قول مشهور آن است که اسیران پس از بازگشت از شام به مدینه وارد کربلا شده و با جابر قبر مطهر سید الشهدا علیه السلام را زیارت کردند.

۱. نام دامنه رودخانه‌ای در نزدیکی کوفه، کنار صحرای حروراد.

۲. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۰۴.

۳. نهج البلاغه، (ترجمه محمد دشتی)، خطبه ۶۰، ص ۱۱۱.

۴. محمدحسین حسینی طهرانی، اربعین در فرهنگ شیعه، ص ۷۵، قم، انتشارات عرش اندیشه ۱۳۸۴ ش.

مرحوم علامه قاضی طباطبائی کتاب مفصلی دربارهٔ اربعین امام نوشته است و با تتبع در کتب تاریخی و مقاتل سعی نموده ثابت نماید که اسرای اهل بیت علیهم‌السلام در اربعین اول سال ۶۱ به کربلا آمده‌اند همان طور که خود در ابتدای کتاب به آن اذعان کرده است.<sup>۱</sup> برخی نیز می‌گویند اسیران آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کردند. آنچه مسلم است نخستین زیارت امام حسین علیه‌السلام توسط جابر بن عبدالله انصاری رخ داده و از آن پس ائمه اطهار از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین علیه‌السلام بهره می‌گرفتند و آن روز را (بیستم صفر) که نخستین زیارت در آن انجام شده به عنوان روزی که زیارت امام حسین علیه‌السلام در آن مستحب است اعلام نموده‌اند.<sup>۲</sup> به هر حال با توجه به منابع کهن اعتبار قول بازگشت اسرا از شام به مدینه، بیش از سخنی است که بازگشت اسرا از شام را به کربلا تعیین کرده است.<sup>۳</sup> به طوری که سید بن طاووس در تأیید این مطلب می‌گوید: «اگر گفته شود که خاندان امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین شهادت سید الشهداء، در برگشت از شام به کربلا رسیدند، این گفتار نمی‌تواند با ایام دراز مدت اسارت آنان در کوفه و شام و طی راه طولانی رفت و برگشت مابین دو سرزمین در مدت کوتاه چهل روز سازگاری داشته باشد.»<sup>۴</sup>

#### ۲۸ صفر، ۵۰ق، شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام

امام حسن علیه‌السلام در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد، آن حضرت هفت سال اول زندگی را در کنار پیامبر گذراند و پس از آن به مدت سی سال همراه پدرش علی علیه‌السلام بود، پس از شهادت پدر در سال چهل هجری به مدت ده سال امامت امت را به عهده گرفت.<sup>۵</sup>

از مهم‌ترین حوادث سیاسی دوران آن بزرگوار صلح با معاویه است؛ پس از بیعت مردم با امام حسن مجتبی علیه‌السلام نامه‌هایی میان آن حضرت و معاویه رد و بدل شد و

۱. محمدعلی قاضی طباطبائی، تحقیق دربارهٔ اول اربعین حضرت سید الشهداء، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۳ ش.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۲۱۸، چاپ اول، قم، نشر، مورخ ۱۳۸۶.

۳. همان.

۴. سیدتقی واردی، روز شمار تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۵۷، چاپ اول، قم، دارالتقلین، ۱۳۸۰ ش. به نقل از لهوف ابن طاووس، ص ۱۲۸.

۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۸۸.

سرانجام هر دو طرف تصمیم به جنگ گرفتند. پس از آغاز جنگ، عبیدالله بن عباس از فرماندهان ارشد سپاه امام فریب مال و منال معاویه را خورد و با دریافت مبلغ یک میلیون درهم به سپاه معاویه پیوست. با توجه به این مسئله و دلایلی که در تاریخ نقل شده است. امام مجتبی علیه السلام در تنگنا قرار گرفت و ناچار گردید با معاویه پیمان صلح بندد. این صلح نامه در تاریخ ۲۵ ربیع الاول سال ۴۱ هجری قمری امضا شد و عده‌ای از شخصیت‌های دو طرف به عنوان شهود، آن را امضا نمودند.<sup>۱</sup>

در روزهای آخر عمر معاویه، او که می‌خواست برای یزید از امام بیعت بگیرد، وجود امام حسن علیه السلام را مانع بزرگی می‌دانست لذا با ترتیب دادن توطئه‌ای امام را به دست همسرش جعده دختر اشعث بن قیس که به او وعده همسری با پسرش یزید را داده بود، مسموم و به شهادت رساند.

پس از شهادت امام، عایشه به همراه مروان از دفن امام در نزدیک قبر پیامبر جلوگیری کرد.<sup>۲</sup> به طوری که جسد مطهرش را تیرباران نمودند و آن بزرگوار را ناگزیر در بقیع دفن کردند.

در خواب رفت و آب طلب کرد و ناله کرد طشت را به خون جگر، باغ لاله کرد

#### ۸-۲. ۲۸ صفر ۱۱ق، رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

در هنگام بیماری پیامبر گرامی اسلام که منجر به وفات حضرت گردید، برخی از صحابه برای عیادت به منزل ایشان آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کاغذ و قلمی برای من بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که گمراه نشوید، در این هنگام خلیفه دوم ممانعت کرده و گفت: کتاب خدا برای ما کافی است.<sup>۳</sup>

به هر حال اختلاف حضار در مجلس باعث شد پیامبر صلی الله علیه و آله از نوشتن نامه منصرف گردد ولی ناچار شد مقصود خود را با رفتن به مسجد و به طور شفاهی ابلاغ نماید. ایشان با آن حال بیماری به مسجد رفته و فرمود: من میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم یکی قرآن و دیگری همان عترت من است.<sup>۴</sup> پس از این جریان پیامبر صلی الله علیه و آله بر اثر بیماری

۱. سیدمحمدصادق موسوی گرمارودی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۰۳، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

۲. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امام شیعه، ص ۱۶۸.

۳. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، چاپ دهم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹۳.

۴. همان، ص ۴۹۹.

در نیمروز دوشنبه ۲۸ ماه صفر وفات یافت. امام علی علیه السلام بر او نماز خواند و جسد مطهرش را در همان حجره‌ای که در گذشته بود به خاک سپرد.<sup>۱</sup>

#### ۹. آخر صفر سال ۲۰۳ ق، شهادت امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام طی امامت بیست ساله خود، ده سال آن را با خلافت هارون الرشید و پنج سال با خلافت محمد امین و پنج سال آخر را معاصر با خلافت عبدالله مأمون بود.<sup>۲</sup> در دوره هارون الرشید امام به دلیل نگرانی هارون از عواقب قتل امام موسی کاظم علیه السلام، دوران آزادتری داشت. در دوران خلافت امین نیز به دلیل اختلافات داخلی و مناقشات امین و مأمون فرصت خوبی برای فعالیت‌های امام فراهم شده بود.<sup>۳</sup> اما هم زمان با خلافت مأمون امام به دستور مأمون از مدینه به مرو منتقل شد<sup>۴</sup> و بعد از مدتی با تهدید به مرگ ولایت‌عهدی بر ایشان تحمیل گردید. امام که می‌دانست هدف مأمون از پیشنهاد ولایت‌عهدی مشروعیت بخشیدن به خلافت خود، محدود کردن و کنترل فعالیت‌های امام و کاستن مقام و منزلت آن حضرت است، شرط نمود کسی را عزل نکند، رسم و سنتی را برنیندازد، وضع موجود را دگرگون نسازد و فقط از دور مشاور باشد.<sup>۵</sup> با پذیرش شرایط امام، روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال ۲۰۱ ق منشور ولایت‌عهدی به خط مأمون نوشته شد. اما مأمون که از آوردن امام به خراسان و تحمیل ولایت‌عهدی به اهداف خود نرسیده بود، با توطئه‌ای تصمیم به قتل آن حضرت گرفت. اباصلت در پاسخ کسی که گفت: چگونه مأمون راضی به قتل امام رضا علیه السلام شد؟ گفت: مأمون بدین جهت امام رضا علیه السلام را به ولایت‌عهدی برگزید که به مردم نشان دهد آن حضرت رغبت به دنیا دارد تا از چشم مردم بیفتد اما وقتی عالمان و متکلمان مذاهب مختلف را دعوت کرد تا به وسیله آنان امام را از نظر علمی محکوم نماید و از این رهگذر نقص آن حضرت میان عامه مردم ثابت شود، ولی امام با هیچ عالم یهودی

۱. همان، ص ۵۰۹.

۲. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۶۷، چاپ هفدهم، قم، انتشارات توحید، ۱۳۸۴ ش.

۳. همان.

۴. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۲۶، چاپ دهم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۶ ش.

۵. همان، ص ۴۴۰.

و نصرانی و... روبرو نمی‌شد جز آن که بر او برتری می‌یافت و مردم می‌گفتند آن حضرت شایسته‌تر از مأمون برای تصدی خلافت است... بدین ترتیب بود که مأمون دست به مسموم ساختن امام زد و او را به شهادت رساند.<sup>۱</sup>

---

۱. همان، ص ۴۴۳؛ به نقل از عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۴۱.